

①

۳۸۹

ع

ع

ع

درس‌هایی

در نقد و هابیت

✓ توسل و پیش‌های اعتقادی آن
✓ شفاعت

نجم‌الدین طبسی

▼
درس‌هایی در نقد و هابیت ج ۱

نجم الدین طوسی

انتشارات دلیل ما

چاپ چهارم: بهار ۱۳۹۵

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ نگارش

قیمت (دوره چهار جلدی): ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۸ - ۴۷۱ - ۳۹۷ - ۹۶۴ - ۹۷۸

تلفن: ۳۷۷۴۴۹۸۸ - ۳۷۷۳۳۴۱۳ (۹۸۲۵+)

آدرس: قم، بابان معلم، مجتمع ناشران

طبقه ششم، واحد ۶۱۲ و ۶۱۳

www.dalilema.ir (برای امکان خرید اینترنتی)

mailto:info@dalilema.ir | شماره پیام کوتاه: ۵۰۰۰۱۴۵

انتشارات دلیل ما

- مراکز پخش:
- ۱) قم، خ معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، واحد ۹، تلفن: ۳۷۷۳۳۴۱۳ و ۳۷۷۴۴۹۸۸
 - ۲) قم، خ صفائیه، روبروی برج شهرداری، پلاک ۷۵۹، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۳۷۷۳۷۰۰۱ - ۳۷۷۳۷۰۱۱
 - ۳) تهران، خ انقلاب، خ فخر راز، فروشگاه دلیل ما، پلاک ۶۱، تلفن ۶۶۴۶۴۱۴۱
 - ۴) مشهد، چهارراه شهداء، ضلع شمال غربی، باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان، مجتمع تجاری گنجینه کتاب، طبقه اول، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۳۲۲۳۷۱۱۳ - ۵
 - ۵) تبریز، خ امام، پاساژ ترن، روبروی زمین، پلاک ۱۹، تلفن ۳۵۵۳۷۵۴۱

سرشناسه طوسی، نجم الدین، ۱۳۳۴ -

عنوان و پدیدآور درس‌هایی در نقد و هابیت نجم الدین طوسی

مشخصات نشر قم: دلیل ما، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری ج ۴؛ ۱۷×۱۲ س.م.

شابک دوره: 978-964-397-470-1 | ج ۱، ۲، ۳، ۴: 978-964-397-470-1

وضعیت فهرست‌نویسی فیبا

مندرجات ج. ۱. توسل و ریشه‌های اعتقادی آن، شفاعت.

موضوع و هابیه -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها

رده بندی کنگره ۱۳۸۸ ۴ د ۲ ط / ۶ / ۲۳۸ BP

شماره رده دیویی ۲۹۷ / ۵۲۷:

شماره کتابشناسی ملی ۱۷۱۰۶۶۲:

فهرست مطالب

۹ سرآغاز

(۱)

توسل و ریشه های اعتقادی آن / ۲۷

۳۰ ۱- توسل حضرت آدم علیه السلام

۳۰ ۲- پیش گوئی و تأکید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

۳۱ ۳- دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

۳۲ ۴- تأکید حضرت فاطمه علیها السلام

۳۳ ۵- توسل صحابه به قبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

۳۴ ۶- توسل ابوالحسنین فقیه شافعی

- ۷- توصل ابوالحسین بن ابی بکر فقیه ۳۵
- ۸- توصل حاکم نیشابوری به قبر امام رضا علیه السلام ۳۶
- ۹- توصل زید فارسی به قبر امام رضا علیه السلام ۳۷
- ۱۰- توصل ابو نصر مؤذن نیشابوری ۳۸
- ۱۱- توصل امیر خراسان به قبر امام رضا علیه السلام ۴۰
- ۱۲- توصل ابو علی خلال به قبر امام کاظم علیه السلام ۴۱
- ۱۳- توصل اصل مدینه به قبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ۴۲

شفاعت / ۷

- شفاعت چیست؟ ۴۹
- مسلمانان و اعتقاد به شفاعت ۵۰
- اقسام شفاعت ۵۳
- ۱- شفاعت در روز قیامت ۵۱
- ۲- طلب شفاعت در همین دنیا ۵۳
- از دیدگاه آیات ۵۴

۵۵	از دیدگاه روایات
۵۶	از دیدگاه علمای اسلام
۵۸	شفاعت در دنیا
۵۹	درخواست شفاعت قبل از تولد پیامبر ﷺ
۶۲	درخواست شفاعت از پیامبر ﷺ در دوران زندگی آن حضرت
۶۲	۱- روایت حسن
۶۳	۲- روایت مراد بن سائب
۶۴	درخواست شفاعت از پیامبر ﷺ پس از وفات آن حضرت
۶۴	۱- حضرت علی <small>رضی الله عنه</small> و طلب شفاعت از پیامبر ﷺ
۶۵	۲- ابوبکر از پیامبر طلب شفاعت می کند
۶۶	۳- طلب شفاعت اعرابی در حضور سحابه
۶۸	حیات پیامبران پس از رحلت
۷۲	استغفار از دیده آیات
۷۴	درخواست شفاعت از دیدگاه وهابی ها
۷۶	پاسخ از این دیدگاه
۸۱	دلیل دیگر

سر آغاز

حمد و ثنای بی پایان بر آن خداوند مهربان و درود و سلام بی کران بر پیامبر کرامی اسلام حضرت محمد مصطفی ﷺ و خاندان گرامی آن - حضرت که هدایت گران انسان‌ها به چشمه ساران فضیلتند.

آموزه‌ها و معارف روشن دین اسلام سرور هم در آسمان اندیشه‌ها می‌تابد، درخشش آن‌ها به گونه‌ای است که سراسر جهان هستی را فرا خواهد گرفت، اما این معارف والا در موسم حج جلوه دیگری دارد که دیدنی است. گرچه گروهی با تفکر متفاوت چهره آن را دگرگون می‌سازند.

در سال جاری ۱۳۸۷ هـ.ش، توفیق سفر روحانی حج را

گفت: آری، ولی آنان در زمان حیات پیامبر ﷺ این گونه استغاثه می کردند.

گفتم: نه، آنان پس از رحلت پیامبر خدا ﷺ نیز چنین می گفتند.

در این موضوع را انکار کرد و گفت: چنین مطلبی نیست! به چه دلیل چنین نسبتی به صحابه می دهید؟

گفتم: در زمان خلافت ابوبکر و در جنگ با اهل رده شعار سپاه مسلمانان «یا حماد» بود.

گفت: چنین ادعایی ثابت نیست و اگر ثابت شده دلیل بیاورید!

گفتم: ابن کثیر - که خود شاگرد ابن تیمیّه بود - در کتاب «البدایة والنهایة» این مطلب را نقل کرده است. گفت: نه، چنین مطلبی در آن جا نیامده است.

گفتم: کتاب «البدایة والنهایة» را بیاورید! وقتی که کتاب را آوردند، جلد ششم آن را گشودم و متن عبارت را خواندم که آمده بود:

وکان شعارهم یومئذ: یا محمداه! (۱)

شعار مسلمانان در آن روز «یا محمداه» بود.

همین که آن عالم وهابی با این واقعیت رو به رو شد فوری سخن خود را تغییر داد و گفت: سند آن روایت ضعیف است.

گفتم: این سخن دیگری، جز اتهام به شرک است. بنا بر این شما بودن این مطلب را در تاریخ پذیرفتید؛ ولی ادعا می‌کنید که سند آن معتبر است؛ اما ممکن است فرد دیگری دیدگاهی بر خلاف نظر شما داشته باشد و بگوید: نه، سند آن صحیح و یا معتبر است. افزون بر آن، اگر استغاثه و توسل مصداق شرک اکبر است چگونه ابن سعیر - گرجه با سند ضعیف - به صحابه رسول الله ﷺ نسبت شرک داد است؟

چون سخن بدین جا رسید، فرزند این عالم وهابی خبر ما را قطع کرد و گفت: نه، استغاثه به پیامبر خدا ﷺ شرک نیست!!

۱. البداية والنهاية: ج ۶، ص ۳۲۹، دارالکتب العلمیه - بیروت.

گفتم: پس چرا به ما ایراد می‌گیرید؟

آن عالم وهابی رشته بحث را تغییر داد و مطالب دیگری مطرح کرد.

آن چه آوردیم گزارشی از طرز تفکر یکی از عالمان وهابی است که خود در دفاع از وهابیت و محمد بن عبدالوهاب کتاب نوشته و از او ثناگویی و مدح می‌کند. این روش تفکر و اندیشه در ذهن هر مسلمانی این پرسش را برمی‌انگیزد که آیا به راستی نوسن و استغاثه به پیامبر اکرم ﷺ از نظر شرعی اشکال دارد؟ آیا ایستی استغاثه کننده را به جرم شرک و خروج از دین و ارتداد، بازداشت کرد و چند روزی به او مهلت داد تا توبه نماید در غیر این صورت آن گلا اعدام گردد؟! (۱)

۱. وهابی‌ها در این زمینه می‌گویند:

«دعاء النبي ﷺ وندأوه والاستعانة به بعد موته في قضاء الحاجات وكشف الكربة شرک أكبر يخرج من ملة الإسلام. سواء كان ذلك عند قبره، أم بعيداً عنه. كأن يقول: يا رسول الله! اشفني أو رة غائبي أو نحو ذلك. (ر.ك: فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء: ج ۳، ص ۱۷۰).

از طرفی می‌بینیم که این فرهنگ از زمان پیامبر خدا ﷺ^(۱) تا کنون در میان مسلمانان رواج داشته و دارد. البته ما در این کتاب به طور مبسوط این موضوع را در بخش جداگانه‌ای بررسی خواهیم کرد؛ ولی برای نمونه به مواردی اشاره می‌نماییم:

۱- در زمان خلافت عثمان یکی از اصحاب پیامبر به نام عثمان بن عفیف، یکی از مسلمانان دستور می‌دهد که برای رفع مشکل به اقربا پیامبر خدا ﷺ متوسل شود.^(۲)

۲- مردم مدینه به اشیاء و راهنمایی عایشه برای نزول باران به قبر پیامبر ﷺ متوسل می‌شوند.^(۳)

۳- بعضی از صحابه در زمان خلافت عمر به قبر پیامبر خدا ﷺ متوسل می‌شوند.^(۴)

۴- در سال ۵۳ هجری و در زمان حکمرانی معاویه بن

۱. المعجم الكبير: ج ۹، ص ۳۲.

۲. مسند احمد: ج ۴، ص ۱۲۸، سنن ترمذی: ج ۵، ص ۵۶۹، سنن ابن ماجه: ج ۱، ص ۴۴۱.

۳. سنن دارمی: ج ۱، ص ۱۵۶، سبل الهدی والرشاد: ج ۱۲، ص ۳۴۷.

۴. فتح الباری: ج ۲، ص ۵۷۷، وفاء الوفاء: ج ۴، ص ۱۳۷۲.

ابی سفیان مردم مدینه برای رهایی از سلطه زیاد بن ابیه استاندار منصوب از طرف معاویه به مدت سه روز به قبر پیامبر کرم صلی الله علیه و آله پناه بردند و به آن حضرت استغاثه کردند. (۱)

۵- یکی از رهبران حنبلی‌ها به نام ابو علی خلال هزار و اندی سال پیش برای رفع گرفتاری‌ها و مشکلات خود به قبر امام کاظم علیه السلام توسل شد. (۲)

۶- در قرن پنجم و پنجم هجری بود که مردم سمرقند برای پاره‌ای از مشکلات به قبر بخاری استغاثه کردند. (۳)
بدیهی است که ده‌ها و صدها نمونه در این باره در کتاب‌های اهل سنت آمده که اگر این موارد جمع آوری شود چندین جلد کتاب خواهد شد.

اینک پرسش ما این است که ابن عبداله رحمته الله در سال ۱۱۱۵ هجری به دنیا آمد و در سال ۱۱۴۳ به طور رسمی

۱. مروج الذهب: ج ۳، ص ۲۳.

۲. تاریخ بغداد: ج ۱، ص ۱۲۰.

۳. طبقات الشافعیة الکبری: ج ۲، ص ۲۲۴.

عقاید خود را مطرح کرد و به زور شمشیر و حمایت آل سعود به مردم بادیه نشین نجد تحمیل نمود... به راستی او این نقاید را از کجا آورده و به اسلام نسبت می‌دهد؟!

البته او با توجه به این که مدعی پیروی از افکار ابن تیمیه است، شاید این را نیز از او گرفته است؛ ولی ما از هر دو می‌پرسیم که مسلمانان در سال یازدهم و دوازدهم هجری در زمان خلیفه اول هنگامی که به جنگ مسیلمه کذاب رفتند، شعارشان «یا محمد» بود؟^(۱)

آیا می‌توان گفت که آنان کافر و مشرک بودند!

مگر مردم مدینه که از ترس حاکمیت زیاد بن ابیه سه روز به قبر پیامبر خدا ﷺ پناه بردند مشرک شده بودند؟ هزاران صحابی در مدینه بودند، آیا همه آنان به علت استغاثه به قبر پیامبر خدا ﷺ مشرک شدند؟!

آیا همسر پیامبر خدا که مسلمانان را برای نزول باران به

سوی قبر پیامبر خدا ﷺ راهنمایی کرد، مشرک شد؟! آیا ابن حبان، ابو علی خلال، طبرانی، ابوالشیخ، حاکم نسابوری، ابو بکر فقیه شافعی، محب الدین طبری و صدها بلکه هزاران نفر از علمای مذاهب چهارگانه که در هر مکانی قبور ائمه اهل بیت علیهم السلام به ویژه امام رضا علیه السلام متوسل به استغاثه می کردند، مشرک بودند؟! آری، آن سان که نه اهیم گفتم، نمونه های بسیاری از توسلات و استغاثه در کتاب های اهل سنت آمده است، این موارد ما را بر آن داشت که با ریشه یابی و تحقیق پیرامون ریشه های این تفکر خطرناک بپردازیم چرا که امروزه گروه وهابی از نزدیک شدن مسلمانان به قبر شریف پیامبر خدا ﷺ و ائمه هدی علیهم السلام در بقیع به شدت جلوگیری می کنند. آنان این قبور مطهر را به تل خاکی تبدیل کرده اند و با توهین و عیب و کتک زدن و حتی بازداشت و زندانی کردن و با شکوه های روحی و جسمی زایران آنان را از استغاثه، توسل و گفتن «یا رسول الله!...» باز می دارند.

آنان با دست آویز قرار دادن این جملات همواره تکرار می‌کنند: «این‌ها سنگی بیش نیستند و استخوان پوسیده‌ای هستند».

به راستی آیا پیامبر خدا ﷺ، ائمه هدی علیهم‌السلام، شهدا و... پس از رحلت و شهادتشان این چنین هستند؛ سنگ و استخوان پوسیده؟!!

خداوند معال بر قآن کریم برای توبه بندگان و آمرزش گناهان آنان آدرس پیامبر ﷺ را می‌دهد و می‌فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَّهَهُ اللَّهُ تَوَابًا رَحِيمًا﴾؛ (۱)

و اگر آنان که به خود ستم کرده بودند، پیش تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر نیز برای آنان طلب آمرزش می‌کرد به یقین خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.

آیا خداوند به مردم آدرس سنگ و استخوان پوسیده را
می دهد؟!

آیا مسلمانان از صدر اسلام - صحابه و تابعین - تا کنون که
به پیامبر خدا ﷺ متوسل می شدند و استغاثه می کردند به
راستی به سنگ و چوب و استخوان پوسیده استغاثه می کردند؟!
آیا در زمان رحلت پیامبر اکرم ﷺ تا زمان ابن عبدالوهاب،
یعنی سال ۱۱۰۰ هجری همه جامعه اسلامی مشرک بودند و
فقط گروه وهابی ها و پیروان محمد بن عبدالوهاب مسلمانان
واقعی و نمایندگان راستین خدا و «شعب الله المختار» و
برگزیدگان او هستند؟!

آیا درک و فهم اسلام واقعی در انجمن آستان است؟ یا این
که کاسه ای زیر نیم کاسه است و جریانی است که اسلام و
تعالیم ارزشمند آن وجود دارد که از اسلام ضربه ها خورده و
از موقعیت و هستی ساقط شده، این تفکرات را هدایت و
اشاعه می دهد؟!

این جریان با تغییر چهره و تظاهر به اسلام و برای انتقام

از آن، این آموزه‌های خطرناک را رواج داده و شایع می‌کند. این نظر، ما را واداشت که در این زمینه تحقیق بیشتری کنیم تا بر نرخ‌ها به دست آید و بدانیم که این نعره‌ها برای نخستین بار از حلقوم چه کسانی بیرون آمده و صادر شده است؟! آری، با نگاهی به کتاب «مسند» احمد بن حنبل و «الکامل» مندرج علم شد که نخستین بار این یاوه‌گویی‌ها از زبان مروان بن حکم امیر شنیده شده است. هنگامی که مروان دید ابو ایوب صاحب‌قبر کنار قبر شریف پیامبر اکرم ﷺ صورت به روی قبر گذاشته بود، حسونت تمام با او سرخورد کرد و از قبر پیامبر خدا ﷺ به «سج» (سگ) تعبیر کرد. ابو ایوب در پاسخ او دوبار گفت: من به دیدار سنگ نیامده‌ام، به دیدار پیامبر ﷺ آمده‌ام. من به دیدار سنگ نیامده‌ام (۱). پس از مروان بن حکم این کلمه زشت از حلقوم حجاج بن یوسف ثقفی صادر شد. هنگامی که حجاج اطلاع یافت که

۱. مسند احمد: ج ۵، ص ۴۲۲، المستدرک علی الصحیحین: ج ۴، ص ۵۶۰.

عده‌ای از مردم کوفه کاروانی تشکیل داده و قصد زیارت پیامبر خدا ﷺ را دارند آنان را به شدت توبیخ کرد و گفت:

یطوفون بأعواد ورمة بالية؛

دور یک مشت چوب و استخوان پوسیده طواف می‌کنند! (۱)

البته در آن زمان امیری جز این انتظاری نیست؛ چرا که او از شجره ملعونه (۲) و فرزند حکم بن ابی العاص همان طرد شده پیامبر اکرم ﷺ از مدینه است، او رئیس تیراندازان به جنازه امام حسن مجتبی ﷺ بود، از به طور آشکار به امام حسن، امیر مؤمنان علی و اهل بیت پیامبر ﷺ دشنام می‌داد و می‌گفت: «أنتم أهل بیت ملعونون!!»

او کسی است که قتل امام حسین ﷺ را در مدینه از پیش از

۱. الکامل: ج ۱، ص ۱۸۵، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج ۵، ص ۲۴۲.
۲. جامع البیان: ج ۹، ص ۱۴۱، عمدة القاری: ج ۱۹، ص ۳۰، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج ۶، ص ۲۸۵.

عزیمت آن حضرت به کربلا پیشنهاد کرد.^(۱)
 هموست که در جنگ جمل به دست سپاه امیر مؤمنان
 علی علیه السلام اسیر شد و در این حال خواست با آن حضرت بیعت
 کند، حضرتش فرمود:

إِنَّهَا كَف يَهُودِيَّة، سَتَلْقَى الْأُمَّةَ مِنْهُ وَ مِنْ وَلَدِهِ
 بُوًّا أَحْمَرَ؛^(۲)

به دست امینازی ندارم، دست او دست یهود است و
 امت اسلام را و فرزندانش روز سرخی را در پیش
 خواهند داشت.

آری، آغاز این تفکر از امویین بود؛ یعنی همان‌ها که با زور
 و تزویر، شمشیر و خونریزی، بی رحمانی و ستم‌کاری و قساوت
 و خشونت بر گرده مردم مسلط و سوار شدند و سال‌ها به نام
 اسلام به مسخ عقاید و باورهای اسلامی پرداختند؛ تا آن‌جا که

۱. سیر اعلام النبلاء: ج ۳، ص ۴۷۸، الطبقات الكبرى ج ۵، ص ۳۷.

۲. نهج البلاغه: خطبه ۷۳.

بساط و پرونده ننگین آنان برچیده شد.

اینک در هر جای دنیای اسلام آتش فتنه و تفرقه و رادیکشی است اثر انگشت پیروان این تفکر و این خط نفاق و نفاق افکنی در آن نمایان است.

الیه ما نسی خواهیم به جنایات و قتل و غارت هایی که وهابی در دوران تاریخ موجودیت خود مرتکب شده اند پردازیم؛ پس آنکه این بحث عرصه دیگری می طلبد، ولی هدف ما در این اثر به دلیل کردن آراء و اندیشه ها و یاوه های بی ارزش آنهاست؛ زیرا که آنان از آغاز حرکت خویش در بین مسلمانان رسوا شدند تا جایی که دوستان و هم پیمانان قسم خورده آنان همانند عبدالله حسینی که سالها ریزه خوار سفره وهابی ها و وام دار آنان بوده و کتابی در مدح و ثنای آنان همانند «الثورة الوهابية»، «البروک النجدية» و «الصراع بين الاسلام والوثنية» نوشته است؛ ولی پس از کمی به خود آمدن و تحقیق و تعمق در افکار پوچ آنان از این گروهک فاصله می گیرد و به افشاگری علیه آنان می پردازد

و با نوشتن کتاب‌هایی هم‌چون: «هذی هی الأغلال» و ... گروهک وهابی را رسوای خاص و عام می‌کند. هر که این کتاب را بخواند به عمق فضاحت و حماقت و در عین حال لجاجت و کبر و غرور این گروه پی می‌برد.

پی به نین عبدالله قصیمی اولین و آخرین افشاگر علیه این پس ماندگان امویان نبود؛ بلکه قبل و بعد از او ده‌ها کتاب نوشته شده در موضع‌گیری‌ها شده است؛ پدر محمد بن عبدالوهاب که یکی از علمای حنبلی نجد بود بارها علیه پسرش موضع گرفت، برادر سلیمان بن عبدالوهاب با تألیف و نشر کتاب «الصواعق الالهیه فی الرد علی الوهابیه» به افشاگری و رسوایی او پرداخت.

علمای حرمین شریفین - که از معاصران زمان بودند - با بحث و مناظره با آنان حکم کفر و بی‌دینی و عدم یاسندی آنان به دین اسلام را صادر کردند.

آقای سید احمد زینی دحلان امام مسجد الحرام - در سال

۱۲۹۹ هجری - فقیه و مورخ شافعی در کتاب خود می‌نویسد:

محمد بن عبدالوهاب در سال‌های ۱۱۴۶، ۱۱۶۵ و ۱۱۸۶ هجری نمایندگانی را فرستاده و قصد ورود به مکه برای ادای مناسک حج را داشتند؛ ولی علمای اهل سنت آن‌ها را تکفیر کرده و از ورود به مکه جلوگیری کردند.^(۱)

ما در این کتاب به عقاید و نظرات آنان و نقد علمی آن پرداخته‌ایم تا هرگاه آن معلوم شود که این تفکرات با هیچ یک از موازین عقلی و نقلی مطابقت ندارد و به گفته زینی دحلان علمای حرمین چنین نظر دادند:

وجدوهم ضحكة ومسخرة كحمر مستنفرة فرّت
من قسورة؛^(۲)

پس از مناظره چنین یافتند که ما این یک مشت
انسان‌های مسخره و سبک مغز می‌باشند؛ گریه دراز
گوش‌هایی می‌باشند که از شیران بیشه می‌ترسند.

۱. الدرر السنية في الرد على الوهابية: ص ۲۹ و ۳۰، چاپ مصر، سال ۱۲۹۹ هجری.

۲. همان: ص ۳۰.

امید است در سایه هوشیاری و بیداری و آگاهی مسلمانان از تحرکات و نفاق افکنی آنان جلوگیری شده و از جامعه اسلامی طرد شوند.

در پایان از دو برادر فاضل و دانشمند حجج الاسلام آقایان انصاری و اسفندیاری کمال امتنان و سپاسگزاری را دارم که در تالیف کتاب «روافد الایمان» تلاش فراوانی مبذول داشتند. امیدوارم زحمات این دو عزیز و بضاعت ناچیز حقیر مورد عافیت و بی نعمت‌مان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد. ان شاء الله

قم المقدسة

۴ / محرم الحرام ۱۴۳۰ هجری قمری

نجم الدین حسینی